فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هشتم ، پاییز ۱۳۹۳- صفحه ۴۷ - ۷۴

اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۴

رضا اکبریان *
نجمه ساجدیان‌فرد

چکیده

اسلام دین جامع و فراگیری است و به تمام ابعاد زندگی انسان نظر دارد و از این رو مسأله تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی را از نظر دور نداشته و برای بهبود توزیع ثروت و افزایش رشد اقتصادی دستوراتی را به مسلمانان ارایه کرده است. یکی از این دستورات، زکات می باشد که با توجه به تفاصیلی که در دین مبین اسلام آمده است می تواند نقش مهمی در رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و توزیع عادلانه تر ثروت داشته باشد.

کاهش فقر و تعدیل ثروت هنگامی که با رشد اقتصادی همراه شود به بزرگترین و دشوارترین هدف سیاستگذاران اقتصادی هر کشور تبدیل می شود. به منظور نیل به این مهم، مکاتب اقتصادی راهکارهای متفاوتی ارایه داده اند. مکتب اقتصاد اسلامی نیز در این زمینه ابزارهایی ارایه داده است که یکی از آن ها زکات می باشد. اینکه زکات چگونه بر تعدیل ثروت و رشد اقتصادی اثر می گذارد، هدف این پژوهش می باشد. بدین منظور پس از بیان مبانی نظری مربوطه، الگویی ارایه می شود که در چارچوب سیستم معادلات همزمان می باشد. نتایج نشان می دهد که اقتصاد اسلامی با معرفی زکات و نرخ مضاربه، به شرط اجرای دقیق آن، موجب رشد و رونق اقتصادی و همچنین تعدیل و توزیع مناسب ثروت می شود.

واژگان کلیدی: *زکات، توزیع ثروت، رشد اقتصادی.*
طبقه بندی JEL :D31, E21, E22, E62, O40

* دانشیار و عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز rakbarian@rose.shirazu.ac.ir
** دانشجوی دکتری تخصصی علوم اقتصادی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) sajedian01@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

مقدمه

ریشه کن کردن فقر، تعدیل نابرابری درآمد و تعدیل ثروت هنگامی که با رشد اقتصادی همراه شود به بزرگترین و دشوارترین هدف سیاستگذاران اقتصادی هر کشور تبدیل می شود. به منظور رسیدن به این هدف، در مکاتب اقتصادی راهکارهای متفاوتی ارایه گردیده است. از جمله موضوعاتی که باعث ایجاد تفاوت دیدگاه در نظام های اقتصادی شده است، سرمایه، ثروت و سود می باشد که همواره مورد توجه بوده است.

با توجه به نظام حاکم بر کشور جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر دین مبین اسلام است، بایستی این موضوع را در چارچوب مکتب و نظام اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داد. در اقتصاد اسلامی، برخلاف نظام سرمایه داری که انباشت سرمایه اتفاق می افتد، تعدیل محقق می شود. در واقع، نحوه توزیع منابع یکی از اصولی ترین مباحث مکتب اقتصاد اسلامی می باشد. طبق آیه ۱۶۵ سوره انعام[1] نابرابری توزیع ثروت بین افراد، به منظور آزمودن انسان ها می باشد. از آنجا که اسلام به هیچ وجه با تولید ثروت و رفع فقر مخالف نیست، این موضوع بطور اصولی مورد توجه قرار گرفته است. به منظور رسیدن به این هدف و تعدیل سرمایه، نظام اقتصاد اسلامی ساز و کاری را تعریف می کند که براساس آن، افراد ضمن اینکه درآمد و ثروت بدست می آورند، ثروت آن ها تعدیل می شود. به بیان دیگر، ثروت افراد مطلق نبوده و با مباحثی از قبیل پرداخت خمس، زکات و همچنین انجام فعالیت های عام المنفعه این امر محقق می شود. این در حالی است که چنین ساز و کارهایی که بدون دخالت و اجبار دولت باشند؛ در سایر نظام های اقتصادی وجود ندارد.

فلسفه زکات عمدتاً رفع فقر و ایجاد عدالت اقتصادی می باشد (سبحانی ، ۱۳۹۱: ۵۸۳). از این رو، زکات می تواند در رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و توزیع عادلانه تر ثروت، نقش آفرینی کند. در اینجا، ذکر یک نکته ضروری خواهد بود و آن این است که به منظور بررسی اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت، ممکن است اینگونه تلقی شود که زکات به عنوان مالیات وارد الگو های اقتصاد کلان شده و اثرات آن بررسی شود. اما بایستی به این موضوع توجه شود که مالیات با زکات متفاوت است. به عبارت دیگر، مالیات یک امر متغیر و اجباری است که از طرف

---

۱. «وَ هُوَ الَّذی جَعَلَکُمْ خَلائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَبْلُوَکُمْ فی ما آتاکُمْ إِنَّ رَبَّکَ سَریعُ الْعِقابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحیمٌ» ، و اوست که شما را جانشینان خود یا جانشینان گذشتگان، در روی زمین قرار داد، و برخی از شما را بر برخی دیگر (از جنبه مادی و معنوی) به درجاتی بالا برد، تا شما را در آنچه به شما داده بیازماید حقّا که پروردگارت زود کیفر است و هم او بی تردید بسیار آمرزنده و مهربان است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

دولت تعیین می شود؛ در حالیکه زکات یک عبادت است و بدون دخالت و اجبار دولت می باشد. به بیان دیگر، زکات نه تنها یک فریضه دینی است، بلکه یک ابزار مالی بوده و نقش بسزایی در رفع نابرابری در جامعه ایفا می کند (ابوبکر و عبدالرحمن، ۲۰۰۷، ۲۵). در واقع، اگرچه زکات، براساس کتب فقهی به عنوان مالیات تلقی می شود (آقا نظری و گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۵: ۴۷)؛ از جهت اینکه در پرداخت زکات، اجبار و دخالت دولت نقشی ندارد؛ مالیات و زکات با یکدیگر متفاوت خواهند بود.

بنابراین، هدف مقاله پیش رو بررسی اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت براساس الگوهای اقتصاد کلان می باشد. به عبارت دیگر، این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که اثر گذاری زکات بر تعدیل و توزیع ثروت چگونه می باشد. وجه تمایز مطالعه پیش رو با سایر پژوهش های انجام شده این است که در این مقاله سعی شده اثر زکات بر تعدیل و توزیع ثروت با رویکرد رشد اقتصادی بررسی شود.

به منظور تبیین موضوع، در ادامه ابتدا به بررسی مطالعات انجام شده در داخل و خارج پرداخته می شود. پس از این قسمت، وجه تمایز مقاله پیش رو با سایر مطالعات بیان شده و سپس الگو و چارچوب آن مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه، به تجزیه و تحلیل دیدگاه های ارایه شده در قسمت مبانی نظری پرداخته شده و در آخر جمع بندی و نتیجه گیری ارایه می شود.

۱. مطالعات انجام شده

در این بخش به بررسی مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پرداخته، ابتدا مطالعات انجام شده در خارج و سپس مطالعات داخل کشور مرور می شود.

۱-۲. مطالعات انجام شده در خارج

زنگنه[1] در سال ۱۹۹۵ در مقاله ای با عنوان « الگوی اقتصاد کلان یک نظام بدون نرخ بهره» در چارچوب یک الگوی نئوکلاسیکی، با معرفی نرخ مضاربه بجای نرخ بهره، الگو اقتصاد کلانی را برای اقتصاد اسلامی طراحی می کند. بر اساس پژوهش وی، می توان بیان داشت که با معرفی نرخ مضاربه، سرمایه گذاری تشویق می شود و تحت مفروضات خاصی، الگو نشان می دهد که

1 . Zangeneh

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

پس انداز و سرمایه گذاری، بدلیل نهادهای موجود در یک نظام اقتصاد اسلامی، الزاماً کاهش نمی یابد.

زین العابدین[1] در سال ۱۹۹۷ در پژوهشی با عنوان « زکات و کاهش فقر در جهان اسلام»، نشان می دهد که بسیاری از کشورهای مسلمان می توانند فقر را در جوامع خود از طریق مؤسسات زکات از بین ببرند؛ در صورتیکه جمع آوری آن از طریق قانون مقرر شود، منابع آن گسترش یابد تا تمام ابزار کسب ثروت را شامل شود و فقط برای اعضای نیازمند جامعه هزینه شود. همچنین، این محقق بیان می کند که همبستگی متقابل میان مسلمانان در سطح جهان با دعوت به انتقال مازاد زکات از کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر، به کاهش فقر در جهان اسلام کمک بسزایی می کند.

زمان[2] در سال ۲۰۰۶ در پژوهشی با عنوان « اقتصاد اسلامی: مشکلات و چشم انداز» به ارایه روشی جدید پرداخته که در آن چشم انداز بهتری برای استقرار یک جایگزین مناسب و قابل اجرای اقتصادی بجای نظریه اقتصاد سنتی بیان می کند. در این مطالعه، وی نشان می دهد که جایگزین مناسب مد نظر قرآن و سنت، زکات می باشد و زکات می تواند نقش بسزایی در رفع فقر داشته باشد. همچنین متذکر می شود که نظریه های غربی در تمامی موارد نمی تواند برای جامعه اسلامی مناسب باشند[3] و لذا نیاز داریم که نظریه های اقتصاد اسلامی را تکامل بخشیم.

عبدالباکی[4] در سال ۲۰۰۶ در مطالعه ای با عنوان « اثر زکات بر فقر و نابرابری درآمد در بحرین» به تحلیل این موضوع می پردازد که چگونه زکات می تواند شکاف درآمدی را رفع کرده و فقر را در جامعه اسلامی ریشه کن کند. با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش، پیشنهاد می شود همانطور که زکات از افراد حقیقی اخذ می شود؛ به منظور جمع آوری زکات از بخش های مختلف، ادارات و نهادها نیز می بایست قانون وضع شود.

جواید[5] در سال ۲۰۰۶ در مقاله ای با عنوان « محاسبه زکات در اقتصاد مدرن همراه با مثال» ابتدا با تعریف زکات و متعلقات زکات، به بیان اعمال زکات روی سهام، پس انداز و طرح

---

1 . Zein-Al-Abedin
2 . Zaman
۳. یکی از اهداف اقتصاد غربی، خصوصی سازی می باشد؛ در حالیکه یکی از مهمترین اهداف اقتصاد اسلامی، نقش دولت در اقتصاد می باشد.
4 . Abdelbaki
5 . Jawaid

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

های بازنشستگی می پردازد. همچنین به ارایه جدول هـایی بـرای محاسـبه زکـات، زکـات روی احشام و زکات روی شتر کوشش می کند. وی در ادامه پـژوهش خـود، مثـال هـایی در زمینـه محاسبه زکات بیان می کند و متذکر می شود بدلیل اینکـه قیمـت نقـره در طـول زمـان بطـور چشمگیر کاهش پیدا کرده است؛ در مثال ها از نصاب طلا به میزان ۲/۸ اونس تـروی[1] اسـتفاده شده است.

اصلاحی[2] در سال ۲۰۰۷ در پژوهشی با عنوان « سی سـال تحقیـق در زمینـه تـاریخ افکـار اقتصاد اسلامی: ارزیابی و مسیر آینده» به بررسی مطالعات انجام شده در حیطه اقتصاد اسلامی از نظر سرعت پژوهش های صورت گرفته و همچنین میزان پوشـش دهنـدگی آن هـا در طـول سال های ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۶ پرداخته است. وی انجام این مطالعات را هم از دید نویسنده و هـم از دید نظری مورد ارزیابی قرار می دهد. همچنین به تعیین مسائل پیش روی مطالعات با توجه به روند گذشته احتمام می ورزد. نتایج حاصل از تحقیق وی بـدین شـرح اسـت کـه بیشـتر توجـه پژوهشگران بر چند ویژگی خاص بوده است و این وضعیت در بعد دید نظری تشـدید پیـدا مـی کند. همچنین تاکید می کند که نیاز مبرم به تحقیقات متمرکز و همچنین تحقیقـات گسـترده وجود دارد تا ویژگی های دیگر، محدوده های دیگر و سایر مباحث شامل شود.

میلز[3] و همکـاران در سـال ۲۰۰۸ در مطالعـه ای بـا عنـوان « نتـایج زکـات بـرای انباشـت سرمایه» به تحلیل این موضوع می پردازد کـه چگونـه زکـات مـی توانـد انباشـت سـرمایه را در الگویی که بطور ضمنی طبیعت داوطلبانه بودن زکات را در نظر می گیرد، تحت تاثیر قرار دهـد. پرداخت داوطلبانه در دو چارچوب، الگو می شود که از الگوی نسل هـای همپوشـان بـا مصـرف کنندگان غیر همگن و رشد جمعیت درونزا استفاده می کند. نتیجه حاصل از این مطالعه نشـان می دهد که در الگوی تابش گرم[4] یک رابطه مستقیم بین زکات و نسبت سرمایه به نیـروی کـار

1 . Troy Ounces
2 . Islahi
3 . Myles

۴. Warm-Glow Model

(بخشش تابش گرم یک پدیده اقتصادی است که توسط جیمز آندرو (James Andreoni) در سال ۱۹۸۹ شـرح داده شده است. این الگو بیان می کند که چرا مردم به مؤسسات خیریه می بخشند و پیشنهاد می کنند کـه مـردم در نوع دوستی ناخالص شرکت می کننـد. همچنـین افـرادی کـه بخشـنده تـابش گـرم (warm- glow givers) هستند، از این عمل مطلوبیت کسب می کنند. این مطلوبیت در قالب تابش گرم است- حـس مثبتـی کـه افـراد از کمک به دیگران دریافت می کنند.)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

وجود دارد. در حالیکه در الگوی عرف اجتماعی[1] رابطه عکس بین زکات و نسبت سرمایه به نیروی کار وجود خواهد داشت.

حسن[2] در سال ۲۰۱۰ در مقاله ای با عنوان « الگوی کاهش فقر ادغامی از زکات، اوقاف و تأمین مالی خرد» الگویی را ارایه می کند که در آن، دو ابزار سنتی اسلام برای تعدیل فقر یعنی زکات و اوقاف را با مفهوم تأمین مالی خرد اسلامی جمع می کند. نتیجه حاصل از این مطالعه نشان می دهد که چنین الگویی منجر به منفعت رسانی به رفاه کل جامعه می شود. اگر سازمان ها و تشکیلات غیر دولتی را وارد الگو کنیم، منفعت کل بیشتر خواهد بود.

غیاث الحق[3] در سال ۲۰۱۳ در مطالعه ای با عنوان « توزیع درآمد و ثروت در اسلام» بیان می کند که سرمایه داری، سوسیالیسم و کمونیسم در زمینه توزیع مناسب درآمد و ثروت با شکست مواجه شده اند. همچنین نشان می دهد که اگر نظام اقتصاد اسلامی بطور کامل اجرا شود، جلو انباشت مازاد ثروت را می گیرد و یک توزیع منصفانه درآمد را تضمین می کند متغیر کلیدی آن زکات یا عشر، حذف نرخ بهره و قانون ارث می باشد. با توجه به مطالعه وی می توان بیان داشت که زکات اثر بسزایی بر انباشت ثروت و کاهش نابرابری دارد؛ حذف نرخ بهره نابرابری توزیع درآمد را کاهش می دهد و همچنین قانون ارث و اسلام باعث می شوند که ثروت در دست چند نفر متمرکز نشده و ثروت جمع آوری شده بین افراد توزیع شود.

۱-۱-۲. جمع بندی مطالعات انجام شده در خارج

با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعات انجام شده در زمینه اثر زکات بر کاهش فقر، نابرابری درآمد و ثروت، می توان بیان داشت که زکات اثر بسزایی بر تعدیل ثروت و نابرابری درآمد داشته و رفاه کل جامعه را افزایش داد. به علاوه، در صورت حذف نرخ بهره و اعمال قانون ارث در کنار زکات، این تعدیل ثروت و نابرابری تسهیل می شود.

۲-۲. مطالعات انجام شده در داخل

مزینانی در سال ۱۳۷۴ در پژوهشی با عنوان زکات، منبع مالی حکومت اسلامی، بیان می دارد که زکات، مالیات و بودجه ای حکومتی است که در دوره غیبت امام عصر، باید در اختیار ولی

1 . Social Custom
2 Hassan
3 . Ghiasul Haq

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

امر مسلمانان قرار بگیرد. همچنین، امت اسلامی وظیفه دارد که زکات خود را بـه امـام و حـاکم اسلامی بپردازد و خود نمی توانند هزینه کنند. این در حالی است که اگر حـاکم اسـلامی بـرای این مسأله برنامه ای نداشته باشد و یا به لحاظ ساختار و شرایط جامعه، جمع آوری و هزینـه آن را به مصلحت نبیند؛ فقها یا خود مردم می توانند زکات را به اهل آن بپردازند.

مؤمن در سال ۱۳۸۰ در مقاله ای با عنوان رابطه خمس و زکات و مالیـات هـای حکـومتی، علاوه بر بررسی مشروعیت مالیات های حکومتی و معنای ولایت فقیـه و حـوزه اختیـارات ولـی وفقیه، به تشریح فلسفه تشریع خمس و زکات و انفال، فلسفه تشریع مالیات هـای حکـومتی در رابطه با فلسفه تشریع خمس و زکات می پردازد.

وی در نهایت بیان می کند که فقط از راه اختیارات ولایت فقیه برای اداره حکومت اسـلامی می توان مشروعیت مالیات های حکومتی را اثبات کرد.

کمیجانی و عسکری در سال ۱۳۸۳ در مقاله ای با عنوان تحلیل نظری آثار اقتصادی زکـات و مقایسه آن با مالیه تورمی، نتایج حاصل از وضع این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی مورد بررسی قرار می دهند. این پژوهش نشان می دهد که تعلـق زکـات بـه مـال راکد و عدم تعلق آن به سپرده هـای پـس انـداز، مـی توانـد موجبـات سـرمایه گـذاری و رشـد اقتصادی را فراهم آورد. این در حالی است که اثرات مالیه تورمی بر رشد قابل اعتنا نمـی باشـد. اگرچه یک رابطه مستقیم بین تورم و مالیه تورمی وجود دارد، زکات از یک سـو تثبیـت کننـده خودکار اقتصادی و از سوی دیگر موجب چرخش مال از صاحبان ثروت بـه فقـرا و نـوعی نظـام تخصیص مجدد منابع است.

گیلک حکیم آبادی در سال ۱۳۸۵ در مطالعه ای تحت عنوان بررسی توان زکـات (گنـدم و جو) در کاهش فقر (مطالعه موردی استان گلستان)، ضمن اشاره به واجـب عبـادی مـالی بـودن زکات و نقش آن در تأمین زندگی فقرا و مساکین و تأمین نیازهای عام المنفعه؛ با مقایسه تـوان زکات با دو هزینه مهم کمیته امداد امام خمینی (ره) و همچنین هزینه های عمـران و نوسـازی روستاها که نقش مهمی در جهت کاهش فقر دارند؛ به این نتیجه می رسد که چنانچه گردآوری و هزینه کردن زکات با درایت و مدیریت انجام شود، زکات توان تأمین مالی درصد بالایی از فقـر زدایی و تأمین زندگی فقرا و مساکین و تأمین نیازهای عام المنفعه (فی سبیل الله) را دارد.

باقری و همکاران در سال ۱۳۸۶ در تحقیقی با عنوان باز پژوهی نظریه تعمیم زکات از نظـر امامیه، اشاره می کنند که فقیهانی که به انحصار وجوب زکات در اجناس نه گانه قایـل هسـتند برای اثبات ادعای خود به روایات، اجماع و عموم برخی از آیات استدلال کرده اند و فقیهانی کـه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

پیرو نظریه تعمیم هستند، نیز برای اثبات ادعای خود به روایات و دلیل عقل، استناد جسته اند. این پژوهشگران نتیجه گیری می کنند که با فرض اینکه جمع آوری زکات در دولت اسلامی الزامی باشد و همچون مالیات، بر اساس برنامه ریزی کارشناسی شده و دستورالعمل جامع، قابلیت اجرا یابد؛ هر دو نظریه (قول به انحصار و قول به تعمیم) را تأمین می کند و تعادل حفظ شده و باعث ظلم و اجهاف نمی شود.

سلیمانی امیری و فرشی در سال ۱۳۹۰ در پژوهشی با عنوان ارزیابی روش محاسبه زکات در بنگاه های اقتصادی کشورهای اسلامی به بررسی و محاسبه زکات در شرکت های بازرگانی از دیدگاه تجاری و از دیدگاه اهل تشیع و تسنن و با رویکرد دینی-کاربردی می پردازند. این دو پژوهشگر علاوه بر ارایه شیوه های محاسبه زکات، قوانین و استانداردهایی که تاکنون درباره محاسبه زکات در شرکت های تجاری وضع شده و نحوه انعکاس آن در صورت های مالی به ویژه صورت سود و زیان را مطرح می کند. این دو محقق در نهایت با بیان چالش ها و موانع موجود در شیوه محاسبه زکات و ارایه آن در صورت های مالی شرکت ها، پیشنهاد می کنند که سازمان های بین المللی کشورهای اسلامی، این موضوع و روش های حسابداری زکات را بحث و بررسی کنند تا مشکل نبود قابلیت مقایسه صورت های مالی درباره زکات، بین کشورهای اسلامی رفع شود.

همچنین سبحانی در سال ۱۳۹۱ در کتاب *گستره اقتصاد اسلامی* بیان می دارد که با توجه به شرایط اقتصادی جدید در زمان حاضر، به نظر می رسد منابع مالی که بتوان از طریق زکات عمدتاً تجهیز کرد، قادر به آن دسته از پروژه های اقتصادی نباشد که زکات اساساً برای آن ها عنوان شده است، زیرا زکات حاصل از احشام ثلاثه در نظام های اقتصادی کشاورزی معاصر کاملاً ناچیز است. همچنین، در اقتصادهای معاصر، اسکناس و مسکوکات غیر طلا و نقره رواج دارند و بنابراین از منابع نقدین هیچ زکاتی نمی توان دریافت کرد (زیرا زکات نقدین تنها زمانی واجب است که بصورت مسکوک رایج عملاً نقش پول را در نقدینگی اقتصاد ایفا کند). بنابراین، زکات در فقه شیعه از نظر موازین نظری، به نظر می رسد که نمی تواند همان نقشی را ایفا کند که مالیات در یک نظام اقتصادی بر عهده دارد و این امر عمدتاً به علت *ثابت بودن نرخ* و نیز *معین بودن متعلقات* و موارد زکات از یک طرف و بی اهمیت بودن این تعلقات از نظر اقتصادی در شرایط کنونی می باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

بیات و بام افکن در سال ۱۳۹۴ در مقاله ای با عنوان آثار اجتماعی زکات در تفاسیر فریقین به بررسی آثار زکات در بخش های مختلف جامعه از دیدگاه تفاسیر فریقین[۱] مـی پردازنـد. ایـن دو محقق بیان می دارند که آثار اجتماعی زکات بسیار چشمگیر بوده و بطـور خلاصـه در چنـد عنوان ارایه می شوند. به بیان دیگر، زکات در بین افراد جامعه تعادل بـر قـرار مـی کنـد و مـانع ایجاد تضاد طبقاتی و در پی آن فروپاشی اجتماع می شود. زکات به مبارزه با ربـاخواری بـر مـی خیزد و آثار بد و انگیزه های پرداخت آن را از بین می برد. زکـات موجـب تقویـت بنیـه دفـاعی جامعه شده و در هنگام نبرد با دشمنان، مجاهدان اسلام را تا حد زیادی تأمین می کند. زکـات حسد و کینه فقرا نسبت به ثروتمندان را زدوده و موجب افزایش حس دوستی بین افراد جامعـه می شود. در نهایت، زکات موجب ریشه کن کردن آثار منفی فقر می شود.

۱-۲-۲. جمع بندی مطالعات انجام شده در داخل

دسته ای از مطالعات انجام شده در داخل به بررسی فلسفه شرعی بودن مالیات هـای حکـومتی در رابطه با خمس و زکات و همچنین به ارزیابی روش محاسـبه زکـات در بنگاههـای اقتصـادی کشورهای اسلامی پرداخته اند. برخی دیگر اثرات رفاهی وضع زکات بـه عنـوان مالیـات بررسـی کرده اند و بیان می دارند که زکات تثبیت کننده خودکار اقتصادی بوده و از سوی دیگر موجـب تخصیص مجدد منابع می شود. دسته دیگری از مطالعات نیز به مطالعه تـوان زکـات در کـاهش فقر و رفع تضاد طبقاتی پرداخته اند و بیان می کنند که زکات اثر بسزایی در کاهش فقر دارد و مانع ایجاد تضاد طبقاتی می شود. در نهایت، می توان بیان داشت که تعمیم موارد شامل زکـات موجب اثر بخشی بیشتر این منبع در جوامع امروزی می شود.

۳. مبانی نظری

ثروت و تعدیل آن از دیرباز تا کنون در مکاتب مختلف اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از عمده مباحثی بوده که به مرزبندی مکاتب اقتصادی منجر شده است. در اقتصاد متعارف بـه کمک ابزارهایی همچون نرخ بهره، به بحث و بررسی این موضوع پرداخته اند. با توجه به تحـریم نرخ بهره در اقتصاد اسلامی و اهمیت بحث ثروت در زمینه تولیـد و رشـد و پویـایی اقتصـاد، در

۱. فریقین کنایه از شیعه و سنی می باشد (فرهنگ معین).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

این بخش به تشریح اصول نظری در خصوص زکات و ارتباط آن با تعدیل ثروت و رشد اقتصادی پرداخته می شود.

۱-۳. زکات

زکات از جمله ضروریات دین است و از عبادات مهم محسوب می شود بطوریکه در هر آیه ای که قرآن انسان را به نماز دعوت کرده، آن را با زکات مقرون ساخته است[۱] (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۸۱). در واقع مبنای حقوقی دستور شارع مقدس است که صریح ترین آیه در تشریع آن، آیه ۱۰۳ سوره توبه قرآن کریم می باشد[۲]. همچنین، طبق شریعت اسلام، زکات بصورت اخذ مقداری از ثروت و درآمد فرد مسلمان و تعلق آن به افراد فقیر، مسکین و سایر مشمولان ذکر شده در آیه ۶۰ سوره توبه در قرآن کریم[۳] تعریف می شود. بنابراین، مشاهده می شود که مهمترین دلیل اقتصادی تشریع زکات، ایجاد توازن اقتصادی و رفع محدودیت های اقتصادی و اجتماعی است و از این رو مسأله عدالت اقتصادی و اجتماعی به عنوان زیر بنای حقوقی تشریع زکات می باشد.

در زمینه زکات چند مفهوم وجود دارد که عبارتند از:

احکام زکات مال: بر اساس فقه شیعه، زکات بر نه چیز واجب است: گندم، جو، خرما، انگور (کشمش)، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد؛ مقدار معینی را باید تحت شرایطی، در مصارف خاصی صرف کند. همچنین مستحب است از سرمایه کسب و کار و تجارت نیز همه سال زکات بدهد، همچنین سایر غلات (غیر از غلات

---

۱. سوره حج آیه ۷۸: با ادای نماز و پرداخت زکات است که برادری دینی حاصل می شود.

۲.«خُذ مِن اموالِهِم صدقهً تُطَهِرُهُم و تُزَکّیهِم بها و صَلِّ علیهم اِنّ صَلواتکَ سَکنٌ لّهُم و الله سَمیعٌ لّهُم و الله سَمیعٌ علیم»، ای رسول ما، تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدان صدقات نفوس آن ها را پاک و پاکیزه سازی و آن ها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آن ها شود و خدا شنوا و دانا است.

۳. «اِنّما الصَدَقاتَ لِلفقرآء و المَساکینِ و العامِلینَ علیها وَ المُؤلّفهِ قُلُوبُهُم و فِی الرِقابِ وَ الغارِمینَ و فی سبیل اللهِ وَابنَ السّبیلِ فَریضَهَ مِنَ اللهُ و الله علیمٌ حکیمٌ»، مصرف صدقات منحصراً مختص یه این هشت طایفه می باشد: فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و برای تألیف قلوب و آزادی بندگان و قرض داران و در راه خدا و به راه ماندگان. این مصارف هشت گانه فرض و حکم خداست که خداوند بر تمام احکام و مصالح امور آگاه است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

اربعه) نیز زکات آن مستحب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۹۹). بر اساس فقه اهل سنت، زکات به انعام ثلاثه (شتر، گاو و گوسفند)، طلا و نقره، مال التجاره، معادن و رکاز، محصولات زراعی و میوه ها تعلق می گیرد (چوبینه، ۱۳۸۳-۱۳۸۴) .

شرایط عموم وجوب زکات: در فقه شیعه، زکات با چند شرط واجب می شود: مالک مال بالغ و عاقل باشد، بتواند در آن مال تصرف کند و مال به مقدار نصاب رسیده باشد. در مورد گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باید دوازده ماه بر آن گذشته باشد ولی احتیاط واجب آن است که از اول ماه دوازدهم زکات تعلق می گیرد، و اگر برخی از شرایط در اثناء ماه دوازدهم از بین برود، زکات را باید بپردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۹۹-۳۰۰). دو شرط دیگری که فرد باید داشته باشد این است که، آزاد باشد (برده نباشد) و مالکیت تام داشته باشد یعنی در مالی که بخشیده شده یا قرض داده شده، زکات واجب نیست مگر بعد از دریافت آن (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۸۳). در فقه اهل سنت، شرایط وجوب زکات به شرح زیر است: بلوغ و عقل، اسلام (شافعیه، حنفیه و حنابله مسلمان بودن را شرط وجوب زکات می دانند ولی مالکیه می گویند بر کافر نیز زکات واجب است)، تمامیت ملک، گردش یک سال قمری بجز برای معدن و حبوبات و میوه که به محض حصول، زکات آن واجب است، رسیدن به حد نصاب، عدم دَین (شافعیه می گویند هر کس مال او به حد نصاب رسید، گرچه مدیون باشد، زکات بر او واجب است. حنابله بطور مطلق قرض را مانع زکات می دانند و گفته اند بدهکار اول باید بدهی خود را بپردازد، اگر باقیمانده به قدر نصاب بود، زکات آن را بدهد. مالکیه می گویند دَین و قرض، تنها مانع زکات طلا و نقره است. حنفیه قایلند: اگر بدهی از نوع حق الله باشد، مانع از زکات نیست ولی اگر از نوع حق الناس باشد، جز در زکات محصولات زراعی و میوه جات، در سایرین مانع از زکات بوده و باید اول دیون خویش را بپردازد (چوبینه، ۱۳۸۳-۱۳۸۴).

شرایط خاص وجوب زکات: در فقه شیعه، شرایط مخصوص زکات دام، رسیدن به حد نصاب، چریدن، گذشت سال و نداشتن کار می باشد. شرایط مخصوص زکات طلا و نقره، رسیدن به میزان تعیین شده، طلا و نقره مسکوک و گذشت سال می باشد. در زکات کشاورزی دو موضوع حایذ اهمیت است: مالک بودن زراعت یا انتقال زراعت یا محصول با درخت یا تنها در ملک شخص و رسیدن به میزان نصاب (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۸۵-۹۵).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

مقدار تعیین شده زکات (نصاب): مقدار نصاب دام در فقه اهل تشیع و اهل سنت در جداول شماره (۱) و (۲) آورده شده است. در فقه شیعه، زکات غلات اربعه ، ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم می باشد و مدار در رسیدن به حد نصاب، هنگام خشک شدن غلات است و مقدار زکات معادل یک دهم در صورتی که دیمی با باران و یک بیستم در صورتی که با آب دستی یا چاه باشد، است (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۹۰). همانطور که گفته شد، فقه اهل تسنن، زکات زراعت و میوه دارند که این نوع زکات به عُشر معروف است. ابوحنیفه به عمومات متمسک شده و زکات همه میوه ها و سبزیجات و صیفیجات را واجب می داند و نصابی برایش در نظر نگرفته و می گوید کم و زیاد آن، زکات دارد. مالکیه و شافعیه می گویند زکات هر چیزی که برای مخارج ذخیره شود مانند گندم، جو، برنج، خرما و ... واجب است. حنابله به وجوب زکات میوه و زراعتی که کیل شده و ذخیره گردد، قایل شده اند. این سه مذهب، نصاب این زکات را ۵ وسق (هر وسق ۶۰ صاع یا ۵۰ کیل مصری است) که معادل ۶۵۳ کیلوگرم گندم است، می دانند. آنان می گویند اگر همه این محصولات از آب باران یا آب جاری، آبیاری شده باشند؛ ۱۰۱ و اگر از آب چاه و یا امثال آن آبیاری شده، ۲۰۱ از آنها را برای زکات باید استخراج کرد. همچنین، دو مذهب حنیفه و حنابله زکات عسل را واجب دانسته و برخی نصاب را ۵ وسق می دانند ولی دو مذهب شافعیه و مالکیه آن را واجب نمی دانند. همچنین، اهل سنت، زکات تجارت را واجب دانسته و نصاب آن با نصاب طلا و نقره سنجیده می شود و در صورت رسیدن به حد نصاب ۵/۲ ٪ باید پرداخت شود (چوبینه، ۱۳۸۳-۱۳۸۴). نصاب طلا و نقره در فقه اهل تشیع در جدول شماره (۳) آورده شده است. در فقه اهل سنت، طلا با نصاب ۲۰ مثقال و نقره با نصاب ۲۰۰ درهم به شرط آنکه یکسال بر آن بگذرد، زکات دارد و باید ۵/۲ ٪ آن پرداخت شود. مذاهب چهارگانه، زکات نقدین را در شمش که غیر مسکوک است، واجب می دانند. مذاهب مالکی، حنبلی و شافعی قایل به زکات در زیور آلات نیستند ولی حنفیه قایل به زکات در زیور آلات می باشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

جدول شماره (۱): حد نصاب دام در فقه اهل تشیع

شتر	نصاب
۵ عدد	۱ گوسفند
۱۰ عدد	۲ گوسفند
۱۵ عدد	۳ گوسفند
۲۰ عدد	۴ گوسفند
۲۵ عدد	۵ گوسفند
۲۶ عدد	۱ شتر ماده داخل ۲ سال
۳۶ عدد	۱ شتر ماده داخل ۳ سال
۴۶ عدد	۱ شتر ماده داخل ۴ سال
۶۱ عدد	۱ شتر ماده داخل ۵ سال
۷۶ عدد	۲ شتر ماده داخل ۲ سال
۹۱ عدد	۲ شتر ماده داخل ۴ سال
از ۱۲۱ شتر به بالا، هر ۵۰ شتر یک شتر ۴ ساله و از هر ۴۰ شتر، یک شتر ۳ ساله	

گاو	نصاب
۳۰ گاو	۱ گاو ۱ساله (نر یا ماده)
۴۰ گاو	۱ گاو ماده ۲ ساله
مازاد به همین نسبت محسوب می شود.	

گوسفند	نصاب
۴۰ گوسفند	۱ گوسفند
۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳۰۱ گوسفند	۴ گوسفند
زیادتر از ۳۰۱ گوسفند، هر ۱۰۰ گوسفند، ۱ گوسفند	

منبع: رساله نوین-تحریرالوسیله امام خمینی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

جدول شماره (۲): حد نصاب دام در فقه اهل سنت

شتر	نصاب	گاو	نصاب	گوسفند	نصاب
۵-۹عدد	۱ گوسفند	۳۰ گاو	۱ گاو داخل ۲ سال	۴۰-۱۲۰ گوسفند	۱ گوسفند
۱۰-۱۴ عدد	۲ گوسفند	۴۰ گاو	۱ گاو داخل ۳ سال	۱۲۱-۲۰۰ گوسفند	۲ گوسفند
۱۵-۱۹ عدد	۳ گوسفند	۶۰ گاو	۲ گاو داخل ۲ سال	۲۰۱-۳۹۹ گوسفند	۳ گوسفند
۲۰-۲۴ عدد	۴ گوسفند	۷۰ گاو	۱ گاو داخل ۲ سال و ۱ گاو داخل ۳ سال	۴۰۰-۴۹۹ گوسفند	۴ گوسفند
۲۵-۳۵ عدد	۱ شتر ماده داخل ۲ سال	۸۰ گاو	۲ گاو داخل ۳ سال	۵۰۰-۵۹۹ گوسفند	۵ گوسفند
۳۶-۴۵ عدد	۱ شتر ماده داخل ۳ سال	۹۰ گاو	۳ گاو داخل ۲ سال	۶۰۰-۶۹۹ گوسفند	۶ گوسفند
۴۶-۶۰ عدد	۱ شتر داخل ۴ سال	۱۰۰ گاو	۱ گاو داخل ۳ سال و ۲ گاو داخل ۲ سال	۷۰۰-۷۹۹ گوسفند	۷ گوسفند
۶۱-۷۵ عدد	۱ شتر ماده داخل ۵ سال	۱۱۰ گاو	۲ گاو داخل ۳ سال و ۱ گاو داخل ۲ سال		
۷۶-۹۰ عدد	۲ شتر ماده داخل ۳ سال	۱۲۰ گاو	۳ گاو داخل سه سال یا ۴ گاو داخل دو سال		
۹۱-۱۲۰ عدد	۲ شتر داخل ۴ سال				
از ۱۲۰ شتر به بالا، مذهب حنفیه با سه مذهب دیگر اختلاف دارند.					

منبع: اهل سنت و مسأله زکات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

جدول شماره (۳): حد نصاب طلا و نقره در فقه اهل تشیع

طلا		نقره	
نصاب	مقدار زکات	نصاب	مقدار زکات
۲۰ تا ۲۴ دینار	نیم دینار = ۱۰ قیراط	۲۰۰ درهم	۵ درهم
۲۴ تا ۲۸ دینار	نیم دینار+۲قیراط=۱۲ قیراط	۲۴۰ درهم	۶ درهم
به همین ترتیب، هر ۴ دینار که اضافه شود، مقدار زکات، ۲ قیراط بالا می رود. (دینار= مثقال شرعی)		به همین ترتیب با اضافه شدن هر ۴۰ درهم، یک درهم اضافه می شود.	
۱۵ تا ۱۸ مثقال عرفی	یک چهلم از ۱۵ مثقال	۱۰۵ تا ۱۲۵ مثقال عرفی	یک چهلم از ۱۰۵ مثقال
۱۸ تا ۲۱ مثقال عرفی	یک چهلم از ۱۸ مثقال	۱۲۵ تا ۱۴۶ مثقال عرفی	یک چهلم از ۱۲۵ مثقال
به همین ترتیب، هر ۳ مثقال عرفی که اضافه می شود، یک چهلم از مجموع مورد زکات قرار می گیرد.		به همین ترتیب، با اضافه شدن هر ۲۱ مثقال، یک چهلم مجموع باید زکات داده شود.	

منبع: رساله نوین-تحریرالوسیله امام خمینی

مجری زکات: نهادی است که وظیفه جمع آوری و توزیع زکات را بر عهده دارد. (کهف، ۲۰۰۱: ۹-۱۰)

بنابراین، پرداخت زکات، نتایج اجتماعی بسزایی را در پی خواهد داشت. این نتایج اجتماعی را بر اساس آیه ۶۹ سوره توبه که مصارف زکات را بیان می کند، می توان استخراج کرد. از جمله مستحقین زکات، فقرا هستند که نتیجه اجتماعی پرداخت زکات به آنان، رفع فقر، تعادل اجتماعی و بیمه بیکاری و کسر درآمد می باشد. نتیجه اجتماعی پرداخت زکات به مساکین موجب بیمه بیماری و تأمین معلولین و ناتوانان می شود. با پرداخت زکات به کارگزاران، تشویق خدمتگزاران را خواهیم داشت. با ایجاد الفت از طریق زکات، دلجویی و کمک به صلح جهانی میسر می شود. با استفاده از زکات برای آزاد کردن، آزادی و بیمه باز خرید بردگان را خواهیم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

داشت. با پرداخت زکات به بدهکاران، انواع بیمه بدهکاری و خسارات و حفظ آبروی اشخاص تأمین می شود. همچنین، تخصیص زکات به در راه ماندگان و دادن آن در راه خدا به ترتیب موجب بیمه سفر یا راه ماندگی و آبادانی و بیمه خدمات اجتماعی می شود (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹؛ ص۹۵).

۲-۳.ثروت

ثروت به معنای فراوانی منابع یا مالکیت داشتن بر چیزی است. مفهوم ثروت در تمامی زمینه های اقتصاد از جمله رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عبارت دیگر، با اندازه گیری میزان ثروت در یک اقتصاد می توان وضعیت اقتصادی را مشخص کرد[۱].

اسلام، گذشته از گرفتن مالیات، خمس و زکات از ثروتمندان به نفع مستضعفان و مصالح جامعه و در اختیار گرفتن منابع طبیعی به نفع عموم، با نفوذ عظیم معنوی خود، عباداتی همچون وقف، واگذاری، هبه، صدقه، نذر و وصیت مقرر داشته و با بالابردن نیروی ایمان و انسان دوستی، ثروتمندان را تشویق کرده تا با کمال آزادی و اشتیاق، اموال و املاک غیر لزوم خود را برای همیشه از حالت خصوصی و انحصاری در آورده، در راه خدا مورد استفاده فامیل، مستمندان و یا عموم مردم و اجتماع قرار دهند و بدین صورت، تعمیم و تعدیل ثروت در جامعه رخ خواهد داد (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۱۲۷).

با توجه به گستردگی بحث ثروت در زمینه اندازه گیری آن می بایست به این نکته توجه داشت که تعریف از ثروت چه می باشد. در مطالعه پیش رو، منظور از ثروت، میزان درآمد خانوار یا مخارج مصرفی خانوارمی باشد. در حقیقت، ثروت را می توان میزان دارایی خانوار از قبیل درآمد حاصل از کسب و کار، میزان گنج، احشام، محصولات دیمی و ... و به بیان دیگر، همان اقلام زکات در نظر گرفت.

در ادبیات اقتصادی شاخص های مختلفی برای اندازه گیری نابرابری توزیع ثروت مورد استفاده قرارگرفته اند که پر کاربردترین آن ها شاخص ضریب جینی[۲] و شاخص سهم دهک ها[۳] می باشد.[۴]

---

۱. سه شاخص اصلی برای وضعیت اقتصادی معرفی می شود که شامل درآمد خانوار، مخارج مصرفی خانوار و ثروت خانوار می باشد (روتستین و جانسن، ۲۰۰۴، صص۲-۴).

2 . Gini Co-Efficient

3 . Quantile Shares

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۳-۳. الگو IS-LM

تابع IS از اجزایی همچون مصرف، سرمایه گذاری، مخارج دولت و خالص صادرات تشکیل شده است. با توجه به مطالعات انجام شده توسط متوالی[1] (۱۹۸۱) و اوصاف[2] (۱۹۸۵)، میل نهایی و متوسط به مصرف در اقتصاد اسلامی بیشتر از اقتصاد متعارف است.

۱-۳-۳. مصرف کل در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی

در واقع، به هنگام وارد کردن بحث زکات به تحلیل اقتصاد کلان، زکات می تواند روی تابع مصرف افراد اثر گذاشته و آن را به سمت بالا شیفت دهد. این امر از طریق دو فرض اعمال می شود:

۱. تابع مصرف کینزی: بر اساس عقیده کینز، درآمد واقعی عامل اصلی تعیین کننده مخارج مصرفی است و در کتاب *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول* بیان می دارد که درآمد کل قاعدتاً متغیر اصلی است که مصرف، یکی از عناصر تشکیل دهنده تابع تقاضای کل، بدان وابسته است. در کتاب کینز، دو عامل اصلی وجود دارد که رابطه بین مصرف و درآمد را توجیه می کند و مبنای نظریه جدید مصرف و پس انداز را تشکیل می دهد. در درجه اول، کینز مصرف را تابعی از درآمد جاری می داند و می توان رابطه C=f(Y) را نوشت. در درجه دوم، کینز رابطه بین درآمد و مصرف را در قالب یک اصل روانشناسانه مصرف توجیه می کند: « قانون اساسی روانشناسی، که هم ابتدا به ساکن به سبب علم آن به طبیعت انسانی و هم بر پایه واقعیات مشروح تجربی، به حق و با کمال اطمینان بدان اتکا کردیم؛ آن است که به طور کلّی وقتی درآمد افراد زیاد می شود، مصرف آنان نیز افزایش می یابد ولی نه به اندازه افزایش درآمد ...» (تفضلی، ۱۳۸۶: ۸۵)

۲. میل نهایی به مصرف افراد فقیر از افراد غنی بالاتر است. (کهف، ۱۹۹۵: ۱۵)

به منظور بررسی اثر زکات بر تابع مصرف، به صورت زیر عمل می شود:

تابع مصرف کل کینزی (اقتصاد متعارف) به صورت $C_s = a + bY$ می باشد که در آن C_s مصرف کل در اقتصاد متعارف، a مقدار ثابت و b میل نهایی به مصرف یا شیب تابع مصرف می

1 . Metwally
2 . Ausaf

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

باشد. در واقع، مقدار a ارزش مخارج مصرفی در حالتی که درآمد برابر صفر است نشان می دهد و اصطلاحاً مصرف مستقل نامیده می شود. جزء دوم تابع مصرف (bY) مصرف القایی بوده و مبین ارتباط مستقیم بین درآمد و مصرف می باشد (تفضلی، ۱۳۸۶: ۸۸).

در اقتصاد اسلامی، به منظور ارایه تابع مصرف کل، جمعیت به دو گروه پرداخت کننده زکات و دریافت کننده زکات تقسیم می شود. بدین صورت که پرداخت کنندگان زکات کسری از درآمدشان (α) را به عنوان زکات، به دریافت کنندگان زکات منتقل می کنند. در این صورت، تابع مصرف در یک اقتصاد اسلامی به صورت رابطه شماره (۱) خواهد بود:

$$C_I = a + b[\beta Y - \alpha Y] + \delta[(1-\beta)Y + \alpha Y] \qquad (۱)$$

که در آن C_I مصرف کل در اقتصاد اسلامی، βY درآمد پرداخت کنندگان زکات، $(1-\beta)Y$ درآمد دریافت کنندگان زکات و αY زکات پرداختی می باشد. همچنین b میل نهایی به مصرف پرداخت کنندگان زکات و δ میل نهایی به مصرف دریافت کنندگان زکات می باشد. حال می خواهیم ببینیم که چگونه میل نهایی و متوسط به مصرف در اقتصاد اسلامی (MPC_I و APC_I) بیشتر از میل نهایی و متوسط به مصرف در اقتصاد متعارف (MPC_S و APC_S) است.

$$C_I - C_S = \delta(1+\alpha-\beta)Y - b(1+\alpha-\beta)Y$$
$$\left(\frac{C_I}{Y}\right) - \left(\frac{C_S}{Y}\right) = \delta(1+\alpha-\beta) - b(1+\alpha-\beta)$$
$$\left(\frac{\partial C_I}{\partial Y}\right) - \left(\frac{\partial C_S}{\partial Y}\right) = \delta(1+\alpha-\beta) - b(1+\alpha-\beta)$$

طبق این فرض که میل نهایی به مصرف افراد فقیر بیشتر از افراد غنی است ($\delta > b$) و با توجه به این نکته که $0 < (1+\alpha-\beta) < 1$ است؛ روابط شماره (۲) و (۳) را خواهیم داشت.

$$APC_I > APC_S \qquad (۲)$$

$$MPC_I > MPC_S \qquad (۳)$$

بنابراین زکات منجر به انتقال تقاضای کل کالاهای لوکس به کالاهای اساسی مورد نیاز فقرا می شود. همچنین، با توجه به روابط شماره (۱) و (۲) و با فرض ثابت بودن سایر شرایط ،می توان اثر مثبت زکات بر رشد و رونق اقتصادی را ملاحظه کرد (کهف، ۱۹۹۸: ص۲۸۱).

۲-۳-۳. سود در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی

با توجه به تحریم نرخ بهره از دید اسلام، بایستی جایگزین مناسبی برای آن وجود داشته باشد که موجب تشویق سرمایه گذاری و در نتیجه رشد و رونق اقتصادی شود. بدین منظور، دین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

اسلام نرخ بازگشت سرمایه گذاری مضاربه را معرفی می کند که به نرخ بازگشت سرمایه گذاری(سود) در یک نظام اقتصادی مبتنی بر اعتبار بستگی دارد (زنگنه، ۱۹۹۵: ص۵۵).

پیش از ورود به مباحث الگوسازی جایگزین بهره در اقتصاد اسلامی، ذکر چند نکته ضروری است.

۱-۲-۳-۳. ماهیت بهره و ربا

در اقتصاد، علاوه بر نظریه هایی که نرخ بهره مثبت را مد نظر دارند و معتقدند بهره باید باشد و حق صاحب سرمایه است و صفر بودن نرخ بهره، تضییع این حق است؛ نظریه هایی هم وجود دارد که نرخ بهره صفر را توجیه می کنند. افرادی چون لیون پورت بین این دو گروه قرار دارند و ثابت نبودن نرخ بهره را یک ضرورت می دانند. هیچ یک از این نظریه ها جنبه غالب نداشته و هر کدام طرفداران مخصوص به خود را دارند. در خارج (نه قراردادهای شخصی و ساختگی برخی نظریه پردازان) یک گروه بهره وجود دارد که به *بهره کاربردی* معروفند. این بهره در قراردادهای وام تعیین می شود. پرداخت قطعی و مطمین اصل وام در زمان حال صورت می گیرد. بازپرداخت مشروط به مازاد[1] است. در واقع، در قرارداد وام شرط می کنند بازپرداخت با یک مازادی همراه باشد. وام دهنده خود را از مبلغ وام جدا می کند و ملکیت وجوه را به وام گیرنده انتقال می دهد. بنابراین، برای وام دهنده، مصرف آن مهم نیست؛ بلکه بازگشت اصل و فرع وام مهم است و سرانجام موعدها مشخص است. همین مشخصه ها در ربا نیز صادق است. ربای قرضی زیاده در قرارداد وام با شرط زیاده است و حرمت آن عام است. در نتیجه، تعریف ربا بر همه انواع بهره[2]، صدق می کند و بهره و ربا منطبق بر یکدیگرند (رجایی، ۱۳۸۴: ۱۰-۳۲).

۲-۲-۳-۳. بهره و توجیهات آن [3]

جامعه غیر کاتولیک اروپا از نظر حقوقی، حق بودن بهره را می پذیرد و برای آن توجیه و تفسیر به ظاهر علمی تراشیده اند. بهره چندین توجیه دارد. به عنوان مثال، بهره به عنوان اجاره پول،

---

1 . Premium

۲. انواع بهره عبارتند از: بهره طبیعی و قراردادی، بهره اسمی و حقیقی، بهره زیاد و اندک، بهره با نرخ ثابت و متغیر، بهره ضروری و غیر ضروری، بهره خالص و ناخالص، بهره وام های مصرفی و تولیدی.

۳. عمده مباحث این قسمت از فصل اول بخش پنجم کتاب « گستره اقتصاد اسلامی» (سبحانی، ۱۳۹۱) برگرفته شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

بهره به عنوان کاهش ارزش پول، بهره به عنوان هزینه فرصت پول، امساک از مصرف بـه عنـوان توجیه بهره، بهره و ارجحیت زمانی پول و بهره به عنوان متوسط نرخ سود، می باشد.

برحسب مقتضیات این مقاله، تنها به بررسی اجمالی سه نوع از این توجیهات پرداختـه مـی شود.

۱-۳-۲-۳-۳. امساک از مصرف به عنوان توجیه بهره

در دیدگاه متعارف، برای خودداری از مصرف، پاداشی به عنوان بهره در نظـر گرفتـه مـی شـود. همچنین، اگرچه امساک از مصـرف مسـتحق پـاداش اسـت، امـا شـکل گیـری ایـن پـاداش در چارچوب حقوقی تعیین می شود. در نظام حقوقی اسلام، انتقال مال به شکل وام، پاداشی اضافه بر اصل مال ندارد؛ و چارچوب حقوقی تعیین شده برای دریافت پاداش امساک از مصـرف، فقـط از طریق قراردادهای سرمایه گذاری مانند انواع مشارکت، مجـاز شـمرده شـده اسـت. بنـابراین، توجیه کسانی که معتقدند امساک از مصرف، پاداش دارد؛ اما این پاداش بایـد بصـورت بهـره وام باشد، نه سود مشارکت؛ در نظام حقوقی اسلام تأیید نمی شود.

۲-۳-۲-۳-۳.بهره و ارجحیت زمانی پول

گفته می شود که تحلیل رجحان زمانی در یک چارچوب حقوقی، بهـره را توجیـه نمـی کنـد و ترجیح زمانی به صورت های متفاوت اثبات می کند که نقد بر نسیه برتری دارد؛ ولی این برتری به آن معنا نیست که جریان پول نقد باید بصورت مشارکت انجام گیرد یا بصـورت وام ربـوی؛ در واقع، نظام حقوقی پذیرفته شده در جامعه است که این امر را تعیین می کند.

۳-۳-۲-۳-۳. بهره به عنوان متوسط نرخ سود

اقتصاددانان به استقلال نرخ بهره از نرخ سود معتقدند و یا معتقدند که نرخ بهـره، عامـل تعیـین کننده نرخ سود می باشد و عکس این قضیه برقرار نیست. همچنین، متـرادف بـودن نـرخ هـای بهره و سود استدلال قابل قبولی ندارد. زیرا عنصر متمایز کننده نـرخ سـود از نـرخ بهـره، عـدم ضمانت است بگونه ای که می توان گفـت بهـره بـازدهی تضـمین شـده و سـود بـازدهی بـدون تضمین و آمیخته با ابهام است. بنابراین، مترادف بودن این دو اصطلاح بی معنـا مـی باشـد؛ بـه ویژه اینکه بدانیم سود در ارتباط با سرمایه و ناشی از سرمایه گذاری است و بهـره در ارتبـاط بـا پول و ناشی از یک وام ربوی می باشد (سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۰۴- ۳۸۷).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

با این مقدمه، می توان بیان داشت که در اقتصاد اسلامی، برخلاف اقتصاد متعارف، داد و ستدی بین سود و زیان وجود دارد. در واقع در اقتصاد اسلامی نظام مشارکت در سود و زیان در معاملاتی نظیر جعاله، مضاربه و ... که بعد مشارکت و سرمایه گذاری دارند، برقرار است. تحت حاکمیت چنین نظامی، سطح سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت زیرا حذف نرخ بهره این اجازه را به بنگاه ها می دهد تا سطحی سرمایه گذاری کنند که تولید نهایی سرمایه گذاری برابر یک شود[1]. حال به منظور بررسی این موضوع، قاعده حداکثر سازی سود در اقتصاد متعارف را با اقتصاد اسلامی مقایسه می کنیم (کهف، ۱۹۹۵: ۳۱۴).

تابع تولید به صورت $F(L,I)$ است که در آن L نیروی کار و I سرمایه گذاری می باشد. از طرفی، به منظور سهولت تحلیل، قیمت محصول به عدد یک نرمال می شود. حال تحت این فروض، مسأله حداکثر سازی سود در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی تعریف می شود.

رابطه سود در اقتصاد متعارف، به صورت رابطه شماره (۴) می باشد. با انجام ساده سازی و در نظر گرفتن شرایط اولیه حداکثر سازی سود، نسبت تغییرات تولید به سرمایه به صورت رابطه شماره (۶) بدست می آید.

$$\pi = F(L,I) - I - WL - rI \qquad (۴)$$
$$= F(L,I) - WL - (1+r)I$$
$$\frac{\partial \pi}{\partial I} = 0 \rightarrow \frac{\partial F(L,I)}{\partial I} - (1+r) = 0 \Longrightarrow \boldsymbol{\frac{\partial F}{\partial I} = (1+r)} \qquad (۶)$$

نرخ دستمزد می باشد. w نرخ بهره و rکه در آن

در اقتصاد اسلامی تحت حاکمیت نظام مشارکت در سود و زیان، رابطه سود به صورت رابطه شماره (۷) خواهد بود که با به دست آوردن شرط اولیه حداکثر سازی سود، نسبت تغییرات سود به سرمایه به صورت رابطه شماره (۸) خواهد شد.

$$\pi = F(L,I) - I - WL - k(F(L,I) - I - WL)$$
$$= (1-k)(F(L,I) - I - WL) \qquad (۷)$$
$$\frac{\partial \pi}{\partial I} = 0 \;\rightarrow\; (1-k)\frac{\partial F}{\partial I} - (1-k) = 0 \;\rightarrow\; \boldsymbol{\frac{\partial F}{\partial I} = 1} \qquad (۸)$$

که در آن k: نسبتی است که بایستی بر اساس آن سود توسط عرضه کننده سرمایه تقسیم شود. از آنجایی که $\left(\frac{\partial F}{\partial I}\right)_I < \left(\frac{\partial F}{\partial I}\right)_S$ است در این صورت، سرمایه گذاری در نظام مشارکت در سود و زیان بیشتر از نظام اقتصاد متعارف خواهد بود. (کهف، ۱۹۹۵: ۳۱۴)

---

۱. با توجه به رابطه شماره (۸)، مشاهده می شود که تولید نهایی سرمایه گذاری تحت نظام مشارکت در سود و زیان، معادل یک خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

با معرفی نرخ مضاربه به بحث تقاضای پول، همانند اقتصاد متعارف، یک رابطه منفی بین نرخ مضاربه و تقاضای معاملاتی پول وجود دارد و بنابراین اگر تقاضای معاملاتی پول افزایش یابد (شیفت منحنی تقاضای پول به بالا) بدلیل اینکه هزینه فرصت نگهداری پول همان نرخ مضاربه می باشد (همانند نرخ بهره در اقتصاد متعارف)؛ به منظور برقراری تعادل در بازار پول بایستی نرخ مضاربه افزایش یابد که با افزایش این نرخ، انگیزه برای افراد بوجود می آید تا پول خود را در اختیار عامل قرار داده و این امر منجر به رشد اقتصادی در جامعه می شود.

۴.تجزیه و تحلیل و ساختار الگو

از دیرباز تاکنون در طول تاریخ بشر با مواردی همچون نیکوکاری و خیرات روبرو بوده ایم. اما با استقرار زکات، برای اولین بار[۱]، این پدیده عبادی که بدون اجبار دولت می باشد؛ شکل رسمی به خود گرفت و انتقال ثروت و درآمد از افراد غنی به فقیر بصورت رسمی انجام شد. در واقع، توزیعی که توسط بازار صورت می گیرد و مد نظر اقتصاد متعارف بوده و تعدیل و نابرابری درآمد و ثروت را حل نمی کند. بنابراین، اقتصاد ۲ طرح را برای باز توزیع درآمد و ثروت بیان می کند.

- طرح اول بدین صورت است که افراد غنی خود به ۲ صورت ثروت خود را تعدیل می کنند. یکی با انتقال دادن ثروت خود به نزدیکان و همسایگان، و دیگری از طریق حکومت اسلامی، بخشی از ثروت خود را بصورت زکات به افراد فقیر منتقل می کنند.
- طرح دوم بدین صورت است که زمانی که افراد غنی فوت می کنند، طبق قانون ارث، ثروت آن ها تعدیل و بین وراث تقسیم می شود که این خود نوعی ساز و کار باز توزیع ثروت می باشد. (کهف، ۱۹۹۵: ۱۷-۱۸) و (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۱۲۷)

---

۱. دقت شود که منظور این نیست که زکات اصطلاح و معنایی جدید است که پس از بعثت پیامبر (ص) بوجود آمده است، بلکه این واژه و اصطلاح و عمل به آن در تعالیم ادیان ابراهیمی دیده می شود. در واقع، این خصلت و ویژگی در تمام پیروان ادیان رواج داشته است. از جمله، معینین، یک ضریب مالیاتی از حیوانات و محصولات کشاورزی و ... پرداخت می کردند. این مسأله مستند به روش های تاریخی کهن برای جداسازی اموال بوده است. همچنین، معنای زکات پیش از بعثت پیامبر (ص) به معنی پاکی، طهارت، رشد و برکت بوده است و آن قسمت از مال را متعلق به خود نمی دانستند و حق بینوایان پنداشته و پاکی ثروت خود را در آن می دیدند. (حاجیان، ۱۳۸۹ : ۷۷-۷۹)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

با توجه به مطالب بیان شده، به ارایه الگوی که بیانگر رابطه زکات، ثروت و رشد اقتصادی می باشد، می پردازیم.

$$Y_t = f_1(C_t , I_t , G_t , NX_t , INF_t(r_{mt}) , UEP_t) \quad (۹)$$

$$I_t = f_2(r_{mt} , W_{dt} , C_t) \quad (۱۰)$$

$$C_t = f_3(W_{dt}) \quad (۱۱)$$

معادله شماره (۹)، معادله رشد اقتصادی است که در آن Y_t نشاندهنده رشد اقتصادی، C_t، I_t، G_t، NX_t، INF_t و UEP_t به ترتیب نماینده مصرف، سرمایه گذاری، مخارج دولت، خالص صادرات، نرخ تورم و بیکاری می باشند.

معادله شماره (۱۰)، معادله سرمایه گذای می باشد که در آن، r_{mt} بیانگر نرخ مضاربه و W_{dt} نشاندهنده ثروت قابل تصرف می باشد که معادل خالص ثروت پس از کسر زکات می باشد.

معادله شماره (۱۱)، معادله مصرف است که تابعی از ثروت قابل تصرف افراد می باشد.

با توجه به مطالعات انجام شده انتظار می رود که اثرات متغیرها بر هم به شرح زیر باشد:

در زمینه مخارج دولت و خالص صادرات تفاوت فاحشی بین اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی وجود ندارد. طبق مطالب ذکر شده در بخش مبانی نظری، با وارد نمودن زکات به الگو اقتصاد کلان، انتظار می رود که نوسانات اقتصادی کمتر می شود. بنابراین انتظار داریم که از طریق اثر گذاری بر بخش مصرفی و انتقال تقاضای کل کالای لوکس به کالای اساسی مورد نیاز افراد فقیر، باعث افزایش بیشتر مصرف نسبت به اقتصاد متعارف می شود. در ارتباط با بخش سرمایه گذاری می توان انتظار داشت به دلیل استفاده از نرخ مضاربه بجای نرخ بهره، انگیزه سرمایه گذاری بیشتر شود و لذا با افزایش سرمایه گذاری، تولید تشویق شده و این امور موجب افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و افزایش رشد اقتصادی می شود.

لازم به ذکر است که در ارتباط با اثر تورم بر رشد اقتصادی نمی توان نظر قطعی داد و بایستی به منشا ایجاد آن توجه نمود. اما می توان گفت که اثر آن در اقتصاد اسلامی تعدیل می شود. زیرا در اقتصاد متعارف، اگر تورم ناشی از فشار هزینه باشد، اثر منفی بر رشد اقتصادی خواهد گذاشت اما در اقتصاد اسلامی با توجه به تعریف نرخ مضاربه و مبادله میان سود و زیان (حاکمیت نظام مشارکت در سود و زیان) این اثر تعدیل خواهد شد. چنانچه تورم ناشی از فشار تقاضا باشد، با وارد نمودن زکات به تابع مصرف و تعریف نمودن ثروت قابل تصرف می توان چنین استنباط نمود که با افزایش مصرف کل جامعه و سود آوری بنگاه، اشتغال افزایش یافته و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

باعث رشد بیشتر اقتصادی می شود. از طرف دیگر، در اقتصاد متعارف با بکار گیری نرخ بهره، موجبات تورم بیشتر فراهم می شود زیرا در شبکه بانکی ربوی خلق پول اتفاق می افتد. در حالیکه سیاست های پولی مطابق با عقود اسلامی، قدرت خلق پول نداشته و به عبارت دیگر به ثبات شاخص های کلان از جمله کاهش تورم کمک می کند.

با توجه به مطالب ذکر شده چنین استنباط می شود که الگوی ارایه شده یک نظام معادلات همزمان باشد. در ادامه به بیان الگوی ارایه شده بصورت فرم خاص تابعی و همچنین بصورت نموداری پرداخته می شود.

بصورت فرم خاص تابعی:

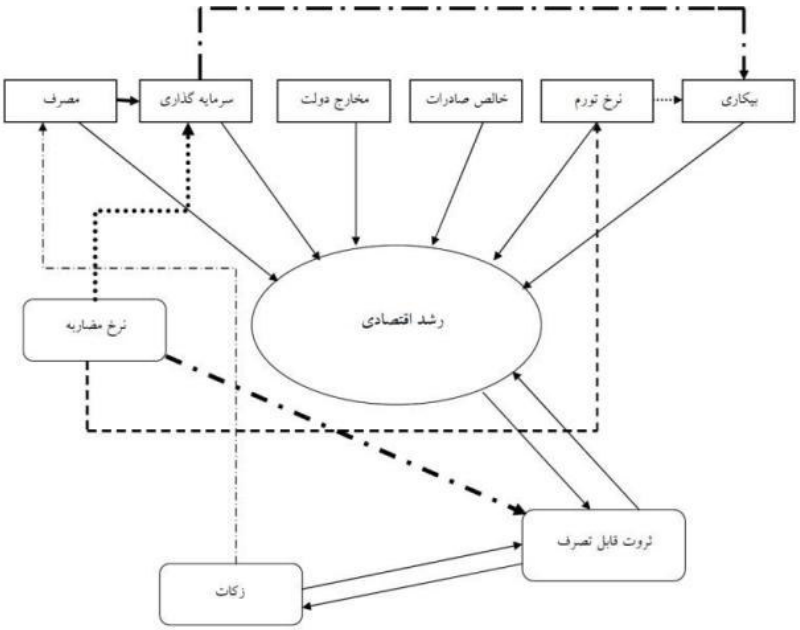
$$\mathrm{Y_t} = \eta_0 + \eta_1 C_t + \eta_2 I_t + \eta_3 G_t + \eta_4 NX_t + \eta_5 INF_t + \eta_6 UEP_t + \varepsilon_t \qquad (۱۲)$$

$$I_t = \gamma_0 + \gamma_1 r_{mt} + \gamma_2 (W_{dt} - C_t) + \zeta_t \qquad (۱۳)$$

$$C_t = \omega_0 + \omega_1 W_{dt} + \xi_t \qquad (۱۴)$$

$$W_{dt} = W_t(1 - r_{zt}) \quad s.t. \quad W_t > nisab \qquad (۱۵)$$

بصورت نموداری:



[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

جمع بندی و نتیجه گیری

اسلام دین جامع و فراگیری است و به تمام ابعاد زندگی انسان نظر دارد و از این رو مسأله تعدیل و توزیع ثروت و رشد اقتصادی را از نظر دور نداشته و برای بهبود توزیع ثروت و افزایش رشد اقتصادی دستوراتی را به مسلمانان ارایه کرده است. یکی از این دستورات، زکات می باشد که با توجه به تفاصیلی که در دین مبین اسلام آمده است می تواند نقش مهمی در رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و توزیع عادلانه تر ثروت داشته باشد.

از آنجایی که ایران یک کشور اسلامی است، پرداختن به ابعاد اقتصادی زکات و بکار بردن آن امری مهم می باشد. بنابراین ضرورت پرداختن به این موضوع امری لازم به نظر می رسد. در این پژوهش سعی بر این داشتیم که ابعاد مختلف اثر گذاری زکات و نظام اقتصاد اسلامی بر توزیع ثروت و رشد اقتصادی مورد بحث قرار دهیم. در این راستا، مطالعات انجام شده مرتبط ذکر شد و در چارچوب یک الگوی اقتصاد کلان، اثر زکات بر توزیع درآمد و به عبارتی توزیع ثروت و رشد اقتصادی بحث شد که در بخش سرمایه گذاری بدلیل تحریم نرخ بهره در اسلام، نرخ مضاربه را معرفی نموده و به تشریح اثر آن پرداخته شد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که

۱. زکات باعث توزیع مناسب ثروت در جامعه می شود.

۲. زکات از طریق اثر گذاری بر مصرف و پس انداز و در نتیجه سرمایه گذاری موجب رشد اقتصادی می شود.

۳. با معرفی نرخ مضاربه در نظام مشارکت در سود و زیان، سرمایه گذاری تشویق شده و لذا موجبات رشد اقتصادی فراهم می شود (براساس رابطه شماره (۸)، تولید نهایی سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی کمتر از اقتصاد متعارف بوده و لذا سطح سرمایه گذاری بیشتر از اقتصاد متعارف می شود و از آنجایی که سرمایه گذاری در رابطه رشد اقتصادی یعنی رابطه شماره (۱۲) اثرگذار است، میزان رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد).

۴. با وارد کردن زکات و نرخ مضاربه، مشاهده شد که عملکرد اقتصاد اسلامی بهتر از عملکرد اقتصاد متعارف می باشد (مقایسه رابطه شماره (۶) و (۸)).

با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود مطالعات بیشتر و تحقیقات متمرکز و گسترده تری در زمینه اقتصاد اسلامی و نقش آن در توزیع ثروت و رشد اقتصادی با رویکرد نظریه های اقتصادی موجود انجام گیرد. همچنین با توجه به این امر که به منظور در نظر گرفتن زکات در یک برنامه مالی و رساندن آن به مصارف عمومی بودجه های دولت، باید ظرفیت مالی زکات را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

به حدی برسانیم که بتواند این وظیفه مهم یعنی رفع فقر و ایجاد توازن اقتصادی را به خوبی انجام دهد. از این رو، مباحثی در زمینه پویا کردن منابع مالی زکات و فراتر بردن از نه مورد مذکور، امر مهم و بسزایی تلقی می شود. زیرا در عصر کنونی و به رقم شرایط جغرافیایی کشورها، کسب زکات از موارد نه گانه بسیار اندک و یا بسیار ناچیز می باشد. بنابراین، ثابت نبودن نصاب و تسری دادن زکات به کل اموال (طبق آیه ۱۰۳ سوره توبه) از جمله مباحثی است که می توان به عنوان مطالعات بیشتر پیشنهاد داد. به علاوه، پیشنهاد می شود به منظور بهبود وضعیت اقتصادی کشور، اقتصاد اسلامی بیشتر عملیاتی شود. علاوه بر این موارد، پیشنهاد می شود که بانک اطلاعاتی به منظور انجام مطالعات در زمینه اقتصاد اسلامی ایجاد شود. در واقع یکی از موانع عملیاتی نبودن اقتصاد اسلامی و تحقیقات صورت گرفته، عدم وجود چنین بانک اطلاعاتی می باشد.

منابع

۱. آقا نظری، حسن و گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۵). *نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی*. چاپ دوم. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده امور اقتصادی.

۲. باقری، احمد، امام، سید محمدرضا و علوی، سیدیوسف (۱۳۸۶)، «باز پژوهی نظریه تعمیم زکات از نظر امامی»، *مقالات و بررسی ها*، دفتر ۸۵، صص. ۷۷-۸۹.

۳. بیات، محمد حسین و بام افکن، جواد (۱۳۹۴)، « آثار اجتماعی زکات در تفاسیر فریقین»، *فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*، شماره ۳۹، صص. ۴۵-۵۶.

۴. بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۵۹). *رساله نوین- تحریرالوسیله امام خمینی مسایل اقتصادی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه انجام کتاب.

۵. تفضلی، فریدون (۱۳۸۶). *اقتصاد کلان، نظریه ها و سیاست های اقتصادی*. چاپ هفدهم. تهران: نشر نی.

۶. چوبینه، سجاد (۱۳۸۳-۱۳۸۴)، «اهل سنت و مسئله زکات»، *فرهنگ جهاد*، سال ۱۰، شماره ۳۸ و ۳۹.

۷. حاجیان، رضا (۱۳۸۹)، «واژه شناسی لغوی و تاریخی زکات در قرآن»، *بینات*، شماره ۳ (پیاپی ۶۷)، صص. ۷۵-۸۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۸.رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۸۴)، «ماهیت بهره و ربا، دیدگاه مقایسه ای»، *پژوهش های اجتماعی اسلامی*، شماره ۵۳، صص. ۱۰-۳۴.
۹. زین العابدین، طیب (۱۹۹۷)، «زکات و کاهش فقر در جهان اسلام»، مترجم: محمد عباس پور، *مشکوه*، شماره ۵۸ و ۵۹، صص. ۵۱-۸۸.
۱۰.سبحانی، حسن (۱۳۹۱). *گستره اقتصاد اسلامی*. چاپ اول. تهران: سمت.
۱۱.سلیمانی امیری، غلامرضا و فرشی، زهرا (۱۳۹۰)، « ارزیابی روش محاسبه زکات در بنگاه های اقتصادی کشورهای اسلامی» ، *فقه اهل بیت*، شماره ۶۶ و ۶۷، صص. ۲۰۵-۲۴۹.
۱۲.کمیجانی، اکبر و عسکری، محمد مهدی (۱۳۸۳)، «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۴، صص. ۷۳-۱۰۲.
۱۳.گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۵)، «بررسی توان زکات (گندم و جو) در کاهش فقر (مطالعه موردی استان گلستان)»، *نامه مفید*، شماره ۵۴، صص. ۱۰۱-۱۲۲.
۱۴.مزینانی، محمد صادق (۱۳۷۴)، «زکات، منبع مالی حکومت اسلامی»، *فقه*، شماره ۳، صص. ۱۱۷-۱۵۶.
۱۵.مکارم شیرازی، حضرت آیه الله العظمی ناصر (۱۳۷۶). *رساله توضیح المسایل*. چاپ شانزدهم. مشهد: هاتف.
۱۶.مؤمن، محمد (۱۳۸۰)، « رابطه خمس و زکات با مالیات های حکومتی» ، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، شماره ۲، صص. ۲۱-۳۲.

18.Abdelbaki, Hisham H. (2006), "The Impact of Zakat on Poverty and Income Inequality in Bahrain", Review of Integrative Business and Economics Research, Vol. 2, pp. 133-154.
19.Abu Bakar, Nur B. and Abdul Rahman, Abdul R. (2007), "A Comparative Study of Zakah and Modern Taxation", Islamic Econ., Vol. 20, No. 1, pp. 25-40.
20.Ghiasul Haq, S. (2013), "Distribution of Income and Wealth in Islam", South East Asia Journal of Contemporary Business, Vol. 2, pp. 34-40.
21.Hassan, Mohammad K. (2010), "An Integrated Poverty Alleviation Model Combining Zakat, Awqaf, and Micro-Finance", 17th International Conference-The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy: Bangi.
22.Islahi, Abdul A. (2007), "Thirty Years of Research in the History of Islamic Economic Thought: Assessment and Future Directions", Islamic Economics Research Center, MPRA, No. 18102.
23.Jawaid, Mahmood. (2006), "Zakah Calculation in Modern Economy with Examples", Dec.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

24.Kahf, Monzar. (1998), Lessons in Islamic Economics, Vol. 1, Jeddah: Islamic Development Bank Islamic Research and Training Institute.
25.Kahf, Monzar. (2001), "The Calculation af Zakah for Muslims in North America", Islamic Society of North America, pp. 9-10.
26.Myles, Gareth D., Omar Ali, P.H. and Norulazidah, D.H. (2008), "The Consequences of Zakat for Capital Accumulation", Economics Department Discussion, Papers Series, No. 8.
27.Wolff, Edward N. (2010), " Recent Trends in Household Wealth in the United States: Rising Debt and the Middle-Class Squeeze- an Update to 2007", Levy Economics Institute, Working Paper No. 589.
28.Zangeneh, Hamid. (1995), "A Macroeconomic Model of an Interest-Free System", the Pakistan Development Review, Vol. 34, No. 1, pp. 55-68.
29.Zaman, Asad. (2006), "Islamic Economics: Problems and Prospects", International Islamic University of Islamabad
30. http://en.wikipedia.org/wiki/Warm-glow_giving

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]